

فشار مذاکرات هسته‌ای در حالی به پنجمین ایستگاه خود نزدیک می‌شود که انتظارات برای احیای برجام در این دور از گفت‌وگوها به دلایلی چون مشخص شدن پیش‌نویس متن اصلی توافق و ضمیمه‌های آن بالا گرفته‌است. از آغاز مذاکرات هسته‌ای به صورت حضوری در وین که میانه فروردین ماه کلید خورد تاکنون حدود یک ماه و نیم می‌گذرد. مذاکره‌کنندگان ایران و پنج کشور حاضر در برجام شامل روسیه، چین، آلمان، فرانسه و انگلیس، چهار نشست حضوری در پایتخت اتریش برگزار کرده‌اند که در هر یک از این نشست‌ها، برخی تکه‌های یازل در جای خود قرار گرفته‌اند. دور چهارم نشست کمیسیون مشترک برجام نیز اردیبهشت به پایان رسید و هیات‌های حاضر برای مشورت با مقامات تصمیم‌گیرنده به کشورهای خود بازگشتند. این نشست اما با خبرهای خوش و امیدبخش پایان یافت و در آن، طرف‌های حاضر از پیشرفت‌های خوب در این گفت‌وگوها و مشخص شدن پیش‌نویس متن اصلی توافق و ضمیمه‌های آن خبر دادند. بر پایه برخی گزارش‌ها، پس از پایان گفت و گوها پیش‌نویس متون تا حد زیادی آماده شده و به مرحله‌ای رسیده که جز برخی موارد اختلافی پیچیده که نیازمند تصمیم‌های سیاسی در پایتخت کشورهاست، بقیه بخش‌های متن تقریباً آماده‌است. از این رو لازم بود تا هیات‌های دیپلماتیک پیش از دور پنجم مذاکرات، رهسپار پایتخت‌های خود شوند.

- امیدواری به احیای برجام**

نشانه‌های پیشرفت مذاکرات و امیدواری به احیای برجام را می‌توان در اظهارات خوش‌بینانه طرف‌های ایرانی و اروپایی دید. «حسن روحانی» رئیس‌جمهوری در مراسمی مربوط به طرح‌های وزارت نفت اظهار کرده که تا قبل از پایان کار دولت دوازدهم تحریم‌های اصلی برداشته می‌شود. روحانی از ادامه دولت تجدید کرد و گفت: «امروز اگر در وین آمده‌اند و در حال مذاکره هستند و قبول دارند که تمام تحریم‌های اصلی را برخواهند داشت، دلیل این افتخارات است. این بحث‌هایی که می‌کنیم، راجع به موارد جزئی است و گر نه در مسائل اصلی چون تحریم نفت، پتروشیمی، کشتیرانی، بیمه، بانک مرکزی و بانک‌ها همه را قبول کرده‌اند و تمام شده‌است.» این چنین نگاه خوش‌بینانه به توافق به دلیل پیشرفت‌های حاصل شده در نشست‌های قبلی است که در چهارمین دور چشمگیری تر به نظر می‌رسید. «سیدعباس عراقچی» رئیس هیات مذاکره‌کننده ایران در وین، روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه، پس از پایان دور چهارم مذاکرات اشاره به پیشرفت‌های خوب در مذاکرات و رسیدن به چارچوب یک توافق، گفت چند موضوع کلیدی در مذاکرات باقی مانده است که نیاز به بررسی بیشتر و تصمیم‌گیری در پایتخت‌ها دارد. با نگاهی به موضع‌گیری مقامات اروپایی نیز رو به جلو بودن گام‌های اعضای کمیسیون مشترک برجام آشکار می‌شود. «هایکو ماس» وزیر امور خارجه آلمان پس از پایان نشست کمیسیون مشترک در جمع خبرنگاران در برلین، از پیشرفت مذاکرات وین و نتایج ملموس خبر داد و گفت که از بیان جزئیات معذور است اما امید دارد نتیجه‌نهایی به زودی حاصل شود. مهم‌ترین موضع‌گیری‌ای که بیش از دیگران در جهان بارزتاب یافت، اظهارات «انریکه مورا» معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و هماهنگ‌کننده مذاکرات وین بود. وی پس از برگزاری آخرین نشست کمیسیون مشترک برجام، اعلام کرد کاملاً مطمئن است که توافق در این ارتباط حاصل خواهد شد، اما نمی‌تواند زمان دستویی به توافق را پیش‌بینی کند. سخنان اطمینان بخش مورا به نتیجه مذاکرات، این امید را بار دیگر ایجاد و تقویت کرد که به احتمال آقوی دور آتی مذاکرات، آخرین دور از گفت‌وگوهای احیای برجام باشد. به جزات می‌توان گفت این نخستین باری بود که معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه با این درجه از صراحت در مورد فرجام خوش برجام سخن به میان می‌آورد.

- امکان تمدید توافق تهران با ژانسن**

نکته مهم دیگر احتمال تمدید توافق تهران با ژانسن است؛ توافقی که از سوم اسفند ۹۹ (۲۱ فوریه) به مدت سه ماه تعیین شد و عمر آن تا روز جمعه ۱۳۱ اردیبهشت (۲۱ مه) می‌بود. ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی یک‌روز قبل یعنی پنجشنبه ۱۳۱۰ اردیبهشت اعلام کرده که در حال رازیابی مقامات جمهوری اسلامی است تا راهی برای تداوم نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیابد و طرف چند روز آینده نتیجه را به اطلاع شورای حکام خواهد رساند. ژانسن همچنین تأکید کرده توافقی سه ماهه ایران و ژانسن هنوز پابرجا است؛ توافقی که بر اساس آن، سطح دسترسی بازرسان ژانسن به تاسیسات هسته‌ای ایران کاهش یافت، البته مشروط بر اینکه در این مدت، راستی‌ازمایی لازم و بازرسی‌های نظارتی از سوی ژانسن ادامه یابد. همچنین بر پایه این توافق، تهران اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کرده و دوربررسی‌های نظارتی برخی از مراکز هسته‌ای را تا سه ماه از دسترس بازرسان ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی دور نگه می‌دارد. ایران هشدار داده بود که اگر طی این چند ماه تحریم‌ها برداشته نشود، تهران فیلم‌ها را دوربین‌ها را پاک خواهد کرد. جدیت و قاطعیت ایران در عملیاتی‌سازی هشدارها، بیشتر در اجرای گام‌های پنج‌گانه و آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی در پی شهادت شهید «مهدی فخری‌زاده» دانشمند هسته‌ای کشورمان خود را نشان داده بود؛ اراده و قاطعیتی که طرف غربی را در واپسین روزهای توافق تهران – ژانسن به تکاپو داشته‌به آن امید که دست‌کم با تمدید کوتاه مدت توافق بتوانند در دور پنجم مذاکرات، برجام را احیا کنند.

شنبه

۱۴۰۰ • ۰۳ • ۰۱

۱۵ شوال ۱۴۴۲ / ۲۲ می ۲۰۲۱

armanmeli.ir

سال چهارم

شمارهٔ ۱۰۱۶



حسین انصاری راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی» از گرهِ‌های اصلی می‌گوید:

مذاکره مستقیم با آمریکا

- مشارکت مردم

در انتخابات

مگر دشمنی با آمریکا جزئی الزام آور در سیاست خارجی ایران است؟

حمایت اصلاح‌طلبان از لاریجانی زبان‌بار تراز روحانی است

مشارکت حداقلی، مارا به مدیریت مجهول می‌رساند

امام‌رای هیچ‌کس را بر دیگری ارجح نمی‌دانست

اصلاح‌طلبان رمق خود را از دست داده‌اند

نهایی شدن مذاکرات برجام آبی بر آتش خواهد بود

زمان تجدیدنظر در مدیریت کشور فراسیده‌است

تنه‌راه نجات، مشارکت همه مردم در اداره کشور است

آرمان ملی – احسان انصاری: «بنده حمایت اصلاح‌طلبان از آقای لاریجانی را خطر ناک‌تر از آقای روحانی می‌دانم. زمانی که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی خود را در اختیار آقای روحانی قرار دادند بزرگ‌ترین ضربه به گفتمان اصلاحات وارد شد. به همین دلیل اگر قرار باشد دوباره این اشتباه و این بار باحمایت از آقای لاریجانی صورت بگیرد باید منتظر ضربات سخت‌تری به جریان اصلاحات بود. به همین دلیل نیز بنده معتقدم جریان اصلاحات باید با گز بنه اصلاح‌طلب در انتخابات مشارکت کنند و همه آرای خود را در حمایت کاندیدای خود به کار گیرند.»
جملات ذکر شده سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاری راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم با تحلیل انتخابات آینده ریاست‌جمهوری معتقد است: «راه نجات کشور حضور همه نیروهای علاقه‌مندبه کشور در عرصه تصمیم‌گیری است. شرایط باید به شکلی باشد که همه گروه‌ها و افرادی که به سرنوشت کشور علاقه‌مند هستند بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مهم نقش آفرینی کنند. راه نجات این است که همه مردم کشور در اداره کشور مشارکت داشته باشند. در چنین شرایطی می‌توانیم مدعی باشیم که یک دموکراسی واقعی در کشور ایجادشده‌است. بدون شک هر راهی جز این کشور را به بن‌بست می‌کشاند. در ادامه ما حاصل گفت‌وگوی «آرمان ملی» با حسین انصاری راد را می‌خوانیم.

اصلاح‌طلبان پس از گمانه‌زنی‌های زیاد در

نهایت به گز بنه جهانگیری برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری رسیده‌اند. این در حالی است که ابراهیم رئیسی در انتخابات گذشته در محک آرای مردم قرار گرفته بود. به نظر شما اصلاح‌طلبان با محوریت جهانگیری چگونه می‌توانند در انتخابات به پیروزی دست پیدا کنند؟

واقعیت این است که مردم امید خود را نسبت به اصلاح‌طلبان و اصولگرایان از دست داده‌اند و در شرایط کنونی با ناامیدی به آینده نگاه می‌کنند. در چهل سال گذشته مردم ایران همواره با وعده‌ها و شعارهایی که مطرح می‌شده در انتخابات شرکت کرده‌اند. این در حالی است که در شرایط کنونی این وعده‌ها پاسخگو نیست و مردم بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را درک می‌کنند. در سال ۷۶ مردم به آقای خاتمی رأی بالایی دادند و این رأی بالا نتیجه‌ای جز این نداشت که در پایان دولت اصلاحات آقای خاتمی عنوان کردند رئیس‌جمهور در ایران در حد یک تدارکاتچی است. در همان زمان کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل پای سخنرانی آقای خاتمی نشست و برای ایشان دست زد اما در نهایت آقای خاتمی اجازه گفت‌وگو و ملاقات با رئیس‌جمهور آمریکا را پیدا نکرد. واقعیت این است که عملکرد آقای روحانی نیز تیر خلاص به امید مردم بود. همه ما به خاطر داریم که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ مردم با چه شور و هیاهو حمایت از آقای روحانی تشکیل شده بود. با این وجود آقای روحانی از برخی وعده‌هایی که به مردم داده بود عدول کرد. این در حالی بود که به قدرتش رسیدن ترامپ در آمریکا و خروج از این کشور در برجام چالش‌های جدیدی را برای کشور به وجود آورد. همه این مسائل عرصه را برای مردم ایران تنگ کرد و کار به جایی رسید که نزدیک به ۶۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. امروز مردم حتی برای تهیه کمترین مایحتاج خود نیز با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. در چنین شرایطی، بحران کرونا نیز مزید بر علت شد و مشکلات عدوی را بیشتر کرد است. به همین دلیل وضعیت جامعه‌ای که نیست که مردم نسبت به حضور در انتخابات شور و شوق نشان دهند. تنه‌ها شده قلیلی هستند که به دلیل وابستگی‌هایی که دارند، بدون دغدغه هستند کرد. این عده نیز عمدتاً به اصولگرایان رأی خواهند داد.

در چنین شرایطی است اصلاح‌طلبان رمقی برای ادامه مبارزه انتخاباتی ندارند. وضعیت کشور به شکلی است که امید به تغییر و تحول در کشور کم شده و به همین دلیل مردم از انگیزه کافی برای مشارکت در انتخابات برخوردار نیستند.
چرا امید به تغییر و تحول کم شده است؟ چگونه می‌توان در زمان باقی مانده تا انتخابات این امید را به جامعه بازگرداند؟

در این زمینه دو نکته وجود دارد. نخست اینکه نگرش شورای نگهبان در انتخابات آینده به چه صورت خواهد بود و دوم اینکه نتیجه مذاکرات پیرامون برجام در نهایت به کجا خواهد کشید. در شرایط کنونی ایران و کشورهای غربی در حال مذاکره با یکدیگر هستند. بدون تردید اگر این مذاکرات به نتیجه برسد که به احتمال زیاد نیز خواهد رسید، آبی بر آتش خواهد بود و امیدواری را تا حدودی در بین اقشار مختلف مردم کاهش خواهد کرد. آقای تاجزاده هنگام ثبت نام در انتخابات داوری شفافیشی را برای مدیریت کشور تجویز کرد که به نظر می‌رسد ایشان در نهایت تأیید صلاحیت نخواهد شد. شاید اگر ایشان در انتخابات حضور داشته باشد این امکان فراهم شود که شور و نشاط انتخاباتی تا حدودی به وجود بیابد و وعده‌ای حول محور ایشان بتوانند انگیزه مردم را برای حضور در انتخابات جذب کنند. به همین دلیل انتخابات آینده احتمالاً یک انتخابات حداقلی خواهد بود. در چنین شرایطی سخنگوی شورای نگهبان عنوان می‌کند مشارکت حداقلی مردم به شکوند انتخابات صدمه نخواهد زد. مشخص نیست دقیقاً از کدام مشروعیت سخنی می‌گویند؟ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی توسط

مردم ایجاد می‌شود. مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز رضایت مردم است. در اصل اول قانون اساسی به رأی و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود استناد شده است. مشورعت همه نهاد‌های نظام و از جمله دولت، مجلس و شوراها با رأی مردم است. به همین دلیل اگر مردم در تعیین سرنوشت خود مشارکت نکنند هیچ مقامی در جمهوری اسلامی رسمیت مردمی ندارد. حضرت امام از ابتدای تشکیل نهضت به آرای مردم تکیه کردند و همواره آرای مردم را بر هر چیزی ارجح می‌دانستند. حضرت امام پس از ورود به کشور عنوان کردند اگر احاد ما به رژیم گذشته رأی داده‌اند به معنای این نیست که ما هم باید از همان رژیم حمایت کنیم؛ بلکه سرنوشت ما در اختیار خودمان است. در سال‌های پایانی عمر حضرت امام، آقای ناطق نوری از ایشان سوال می‌کنند که ۹۰ نفر از نمایندگان مجلس بر اساس مصلحت‌سنجی شما رأی نداده‌اند و به چیز رأی داده‌اند که برخلاف نظر شماست. در اینجا حضرت امام به صراحت عنوان می‌کند در جمهوری اسلامی هیچ‌کسی اجازه ندارد رأی خود را بر دیگری تحمیل کند و رأی هیچ‌کس بر دیگری ارجحیت ندارد. به همین دلیل اگر قرار است میزان مشارکت در انتخابات آینده مانند انتخابات مجلس یازدهم باشد باید این نکته را در نظر داشته باشیم که با این‌اندازه از مشارکت مشروعیت هم به معنای واقعی و کامل تأمین نخواهد شد.

شرایط به صورتی نیست که آقای رئیسی از هم‌اکنون برنده انتخابات باشند. آقای جهانگیری را فرد سالم و کارآمدی می‌دانم و معتقدم اگر همه طیف‌های اصلاح‌طلب روی ایشان اجماع کنند شانس پیروزی خواهد داشت

همچنین پیامدهای مشارکت حداقلی در انتخابات چه مزیت خواهد بود؟

در چنین شرایطی ساتارهای مدیریتی جامعه از ریشه دچار بی‌رمقی خواهد شد و مدیریت کشور را با چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد. در چنین وضعیتی هیچ تغییری در زندگی مردم به وجود نخواهد آمد و مشکلات مردم به‌خصوص در زمینه معیشتی حل نخواهد شد. مسئولان جمهوری اسلامی چگونه می‌توانند جواب گرو سگان و کسانی را که قادر نیستند مایحتاج خود را فراهم کنند، بدهند. راه نجات را باید در درون جست‌وجو کرد. اگر انتخابات رقابتی در کشور وجود نداشته باشد و مردم نتوانند در یک رقابت رقابتی منتخب خود را انتخاب کنند و مدیریت کشور مستند به آرای واقعی مردم نباشد، هر مدیریتی که سر کار بیاید مدیریت مجهولی خواهد بود و تحول در کشور به مطالبات مردم پاسخ بدهد و همه مشکلات آنها را حل کند. امروز یکی از مهمترین مسائل کشور سیاست خارجی است که به صورت مستقیم با مدیریت داخلی کشور ارتباط دارد. مردم ایران خواستار مذاکره و تعامل با همه کشورهای جهان هستند و از دشمنی و کینه توزی‌های بین‌المللی خسته شده‌اند. امروز کشور با یک بن‌بست مدیریتی مواجه شده و

همه سیاست داخلی را تضعیف کرده و هم سیاست خارجی را. این بن‌بست نیز در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی تا حدی قابل مشاهده است. به همین دلیل مدیریت آینده کشور باید با یک مدیریت قوی و متکی به مردم از این بن‌بست عبور کند. در نتیجه راهی جز اصلاحات درونی که با انتخابات رقابتی متحقق می‌شود و اصلاحات بیرونی که با ارتباط مناسب با کشورهای خارجی صورت می‌گیرد، وجود ندارد.

آیا ضرورت این اصلاحات درونی در بین مسئولان جامعه درک می‌شود؟

باید درک و فهم این تغییرات در بین مدیران کشور به وجود بیاید و به مرور زمان زمینه‌های این تغییرات فراهم شود. راه نجات کشور حضور همه نیروهای علاقه‌مند به کشور در عرصه تصمیم‌گیری است. شرایط باید به شکلی باشد که همه گروه‌ها و افرادی که به سرنوشت کشور علاقه‌مند هستند بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مهم نقش آفرینی کنند. راه نجات این است که همه مردم کشور در اداره کشور مشارکت داشته باشند. در چنین شرایطی می‌توانیم مدعی باشیم که یک دموکراسی واقعی

در کشور ایجادشده‌است. ما با براندازی مخالف هستیم و حرکت برای براندازی و فروپاشی نظام را خطرناک و مذبوم می‌دانیم. همه مردم به دنبال اعتلای کشور هستند. این در حالی است که در براندازی، نابودی و فروپاشی است. ملت یک امر نامعلوم و نامشخص نیست. ملت واقعیت را در یک رقابت آزاد انتخاباتی بروز می‌دهد. رأی ملت در انتخابات رقابیتی از صندوق آرا بیرون می‌آید. به همین دلیل هر کسی خود را مدافع منافع ملت بداند اما برخلاف آن رفتار کند ملت واقعی را نشناخته و با کلمه ملت بازی کرده‌است. تجربه تاریخی در برخی کشورهای جهان نشان داده که هر کسی اراده ملت را جدی نگرفته یا آن را

به بازی گرفته‌است محکوم به فنا بوده‌است. به نظر می‌رسد زمان تجدید نظر در مدیریت کشور فرارسیده‌است. در شرایط کنونی کشور در حال مذاکره با کشورهای غربی است. این مساله فر د با شخص نیست؛ مساله حاکمیت است؛ یعنی نظام با توجه به تجربیات آن در سال ۸۴ و ۸۸ طی کرده‌است، می‌داند در صورت تکرار تک‌روی و سرانجام‌گاری یا جامعه جهانی چه اتفاقاتی برای کشور روی خواهد داد؟ دوباره بازگشت برونده ایران به شورای امنیت، احیای قطننامه‌های قبلی، صدور قطعنامه‌های جدید و فشار مضاعف بر کشور؛ آن هم در شرایطی که اکنون دیگر کشور وضعیت اقتصادی و معیشتی مناسبی مانند سال ۸۴ ندارد و به همان میزان هم توان تقابل با فشارهای خارجی و تحریم‌ها در کشور پایین است. ضمن اینکه اکنون جو بایدن در آمریکا روی کار است که توان بالایی در ایجاد اجماع جهانی علیه ایران دارد. پس چه ابراهیم رئیسی، ملی لاریجانی، سعید جلیلی یا هر کس دیگری رئیس‌جمهور کشور شود، نمی‌تواند بر مدار سال ۸۴ و ۸۸ عمل کند. در غیر این صورت باید تبعات بعدی آن را بپذیرند. اکنون نه‌تنها محمود احمدی‌نژاد و همه سیاستمداران داخلی؛ حتی افکار عمومی که شناخته‌شده‌ها یا قله‌های دیپلماتی دارند، می‌دانند دیگر قطعنامه‌ها کاغذ پاره‌ای نیستند. ضمن اینکه اساساً مساله نفوذ و دخل و تصرف دولت‌ها در تعیین راهبردهای سیاست خارجی هم به شدت اثرگذار است. پیرا و این نکته حاکمیت در این شرایط اجازه هرگونه دسترسی‌ها و نامناسب‌گاری‌ها را در حوزه سیاست خارجی نخواهد داد. مجموعه این نکات نشان می‌دهد حاکمیت اکنون به یک درک درست‌تر و عمیق‌تر از مسائل سیاسی و دیپلماتیک رسیده‌است. بنابراین بعید است که کشور در حوزه سیاست خارجی با هر رئیس‌جمهوری حتی بر فرض محال سعید جلیلی هم به مسیر ۸۴ و ۸۸ بازگردد.

باشوند و تلاش کنند مناقشات فی‌مابین را از بین ببرند. بنده قصد ندارم آمریکا را از برخی اقدامات خود در مقابل کشورهای ضعیف‌تر تبرئه کنم. با این وجود هیچ ضرورتی ندارد که ایران دشمنی با آمریکا را جزئی الزام‌آور از سیاست خارجی خود قرار بدهد. این در حالی است که مذاکره با آمریکا را نباید به هیچ وجه به منزله تسلیم در مقابل این کشور تلقی کرد.

آیا در شرایط مشارکت حداقلی اصلاح‌طلبان با حمایت از آقای جهانگیری شناسی برای پیروزی دارند یا اینکه اصولگرایان با محوریت آقای رئیسی در انتخابات به پیروزی دست پیدا می‌کنند؟

آقای رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته حدود ۱۶ میلیون رأی داشتند و به نظر می‌رسد در انتخابات آینده نیز دارای شانس هستند. با این وجود اصلاح‌طلبان هم از پایگاه رأی قابل توجهی برخوردارند و شرایط به صورتی نیست که آقای رئیسی از هم‌اکنون برنده انتخابات باشند. آقای جهانگیری را فرد سالم و کارآمدی می‌دانم و معتقدم اگر همه طیف‌های اصلاح‌طلب روی ایشان اجماع کنند شانس پیروزی خواهد داشت. البته این مسأله به معنای این نیست که رأی عام مردم در انتخابات تعیین‌کننده است؛ بلکه سرنوشت ما در اختیار خودمان است. در چنین شرایطی اگر مردم در انتخابات مشارکت نکنند، راه نجات را باید در درون جست‌وجو کرد. اگر انتخابات رقابتی در کشور وجود نداشته باشد و مردم نتوانند در یک رقابت رقابتی منتخب خود را انتخاب کنند و مدیریت کشور مستند به آرای واقعی مردم نباشد، هر مدیریتی که سر کار بیاید مدیریت مجهولی خواهد بود و تحول در کشور به مطالبات مردم پاسخ بدهد و همه مشکلات آنها را حل کند. امروز یکی از مهمترین مسائل کشور سیاست خارجی است که به صورت مستقیم با مدیریت داخلی کشور ارتباط دارد. مردم ایران خواستار مذاکره و تعامل با همه کشورهای جهان هستند و از دشمنی و کینه توزی‌های بین‌المللی خسته شده‌اند. امروز کشور با یک بن‌بست مدیریتی مواجه شده و هم سیاست داخلی را تضعیف کرده و هم سیاست خارجی را. این بن‌بست نیز در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی تا حدی قابل مشاهده است. به همین دلیل مدیریت آینده کشور باید با یک مدیریت قوی و متکی به مردم از این بن‌بست عبور کند. در نتیجه راهی جز اصلاحات درونی که با انتخابات رقابتی متحقق می‌شود و اصلاحات بیرونی که با ارتباط مناسب با کشورهای خارجی صورت می‌گیرد، وجود ندارد.

ارز یابی شما از حضور آقای لاریجانی در انتخابات و احتمال حمایت اصلاح‌طلبان از ایشان چیست؟

بنده حمایت اصلاح‌طلبان از آقای لاریجانی را خطرناک‌تر از آقای روحانی می‌دانم. زمانی که اصلاح‌طلبان پایگاه اجتماعی خود را در اختیار آقای روحانی قرار دادند بزرگ‌ترین ضربه به گفتمان اصلاحات وارد شد. به همین دلیل اگر قرار باشد دوباره این اشتباه و این بار با حمایت از آقای لاریجانی تکرار شود باید منتظر ضربات سخت‌تری به جریان اصلاحات بود. به همین دلیل نیز بنده معتقدم جریان اصلاحات باید با گز بنه اصلاح‌طلب در انتخابات مشارکت کنند و همه آرای خود را در حمایت کاندیدای خود به کار بگیرند.

یادداشت

تأثیر کاهش مشارکت بر آینده سیاست خارجی

ادامه از صفحه اول
ابه هر میزان که در کشور

روسی جمهوری به واسطه مشارکت مردمی پررنگ یا آرای بیشتری رئیس‌جمهور شوند به همان میزان کشورهای بیشتر و در رده‌های بالاتر رغبت به حضور در مراسم تحلیف پیدا خواهند کرد. یعنی خود تعداد کشورهای حاضر و نیز سطح حضور آن کشورها در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور می‌تواند میزان مقبولیت، نفوذ و توان دیپلماتیک آن دولت را در چهار سال پیش‌رو نشان دهد که با چه وضعیتی در مناسبات بین‌المللی روبه‌رو است.

برخی از جریان‌ها، احزاب و نهاد‌های انتصابی صرفاً با هدف یک‌دست شدن قدرت پا در انتخابات گذاشته‌اند. پس یک‌دست شدن قدرت، نه پروسه که یک پروژه است. چون زمانی می‌توان یک‌دست‌شدن قدرت را پروسه دانست که از مسیر و دالان دموکراسی و رای مردم بگذرد. در حالی که نگاه‌های دستوری، حذفی و حب و بغض‌های سیاسی با هدف ریل‌گذاری در انتخابات و محدود کردن انتخاب‌ها عملاً یک‌دست شدن قدرت را به یک پروژه بدل کرده‌است. یعنی تمام این تحرکات در نهایت موجب می‌شود گزینه مدنظر همین حضرات از دل صندوق‌ها بیرون بیاید. با توجه به اقتضات سیاسی کنونی در کشور و همچنین سرمایه‌گذاری روی سیاستمدارانی با شناسنامه قابل قبول تر و امتحان پس داده که از جنس محمود احمدی‌نژاد نیستند سبب شده‌است این بار پروژه یک‌دست شدن قدرت با سال ۸۴ متفاوت باشد. البته با همه این تفاسیر هیچ تضمینی برای این مهم وجود ندارد که حتی اگر مهره مدنظر این‌ها در یک‌دست شدن قدرت روی کار بیاید، وضعیتی بدتر از سال ۸۴ و ۸۸ روی ندهد. بنابراین علماین نهادها ریسک بسیار بزرگی روی

یک‌دست شدن قدرت کرده‌اند. شکست‌ها و تجربیات دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز می‌توانند در ریل‌گذاری سیاست خارجی دولت سیزدهم اثر گذار باشد. به هر حال در طول هشت سال گذشته عملکرد دولت روحانی در قبال دولت‌های اواموا، ترامپ و جو بایدن در کنار هشت سال تجربه شکست‌خورده دیپلماتیک محمود احمدی‌نژاد یک پنچگ کامل را در اختیار دولت سیزدهم قرار خواهد داد. اگر حضرات از حداقل هوش سیاسی و شناخت دیپلماتیک بهره‌مند باشند باید مسیر درست و دقیقی را در حوزه سیاست خارجی ببیمایند که از دل تجربیات گذشته است. بنابراین نمی‌توان به صرف اینکه شاهد یک‌دست شدن قدرت در کشور باشیم عنوان کنیم که دولت در امر سیاست خارجی بر مدار سال ۸۴ و ۸۸ خواهد گشت. مساله فرد با شخص نیست؛ مساله حاکمیت است؛ یعنی نظام با توجه به تجربیات آن در سال ۸۴ و ۸۸ طی کرده‌است، می‌داند در صورت تکرار تک‌روی و سرانجام‌گاری یا جامعه جهانی چه اتفاقاتی برای کشور روی خواهد داد؟ دوباره بازگشت برونده ایران به شورای امنیت، احیای قطننامه‌های قبلی، صدور قطعنامه‌های جدید و فشار مضاعف بر کشور؛ آن هم در شرایطی که اکنون دیگر کشور وضعیت اقتصادی و معیشتی مناسبی مانند سال ۸۴ ندارد و به همان میزان هم توان تقابل با فشارهای خارجی و تحریم‌ها در کشور پایین است. ضمن اینکه اکنون جو بایدن در آمریکا روی کار است که توان بالایی در ایجاد اجماع جهانی علیه ایران دارد. پس چه ابراهیم رئیسی، ملی لاریجانی، سعید جلیلی یا هر کس دیگری رئیس‌جمهور کشور شود، نمی‌تواند بر مدار سال ۸۴ و ۸۸ عمل کند. در غیر این صورت باید تبعات بعدی آن را بپذیرند. اکنون نه‌تنها محمود احمدی‌نژاد و همه سیاستمداران داخلی؛ حتی افکار عمومی که شناخته‌شده‌ها یا قله‌های دیپلماتی دارند، می‌دانند دیگر قطعنامه‌ها کاغذ پاره‌ای نیستند. ضمن اینکه اساساً مساله نفوذ و دخل و تصرف دولت‌ها در تعیین راهبردهای سیاست خارجی هم به شدت اثرگذار است. پیرا و این نکته حاکمیت در این شرایط اجازه هرگونه دسترسی‌ها و نامناسب‌گاری‌ها را در حوزه سیاست خارجی نخواهد داد. مجموعه این نکات نشان می‌دهد حاکمیت اکنون به یک درک درست‌تر و عمیق‌تر از مسائل سیاسی و دیپلماتیک رسیده‌است. بنابراین بعید است که کشور در حوزه سیاست خارجی با هر رئیس‌جمهوری حتی بر فرض محال سعید جلیلی هم به مسیر ۸۴ و ۸۸ بازگردد.

مذاکرات مثبت وین برای طرفین

ادامه از صفحه اول
مذاکره به نتیجه نمی‌رسد، مذاکره انجام می‌شود تا دو طرف در یک مسیر و چارچوب قرار گیرند تا به یک نقطه اشتراک دست پیدا کنند. از سوی دیگر اینکه آمریکا کل تحریم‌هایی که از ابتدا تاکنون علیه ایران وضع کرده‌است را نه می‌تواند و نه می‌خواهد که یکجا لغو کند. آمریکا از تحریم‌ها به عنوان یک اهرم فشار علیه ایران استفاده خواهد کرد و تمامی تحریم‌هایی که وجود دارد را بر نخواهد داشت، برخی از تحریم‌ها نیز از سوی کنگره اعمال شده و رئیس‌جمهور آمریکا فقط توان تعلیق آنها را دارد، چنین موضوعی در مذاکرات نمی‌تواند رخ دهد، اما نکته مهم این است که در مذاکرات برجام تحریم‌هایی وجود دارد که آن‌ها را رفع کرد، تحریم‌های اصلی را شامل می‌شود که اقتصاد ما را زمینگیر کرده، تحریم فروش نفت، تحریم بانک مرکزی، کشتیرانی و... اگر این تحریم‌ها برداشته شوند بسیاری از مشکلات ما در حوزه اقتصادی هم برطرف خواهد شد. می‌توانیم نفت خود را بدون تخفیف به مشتریان بفروشیم و منابع حاصل آن را به کشور بازگردانیم، همچنین در صادرات و واردات کالا نیز دیگر مشکل نقل و انتقال نخواهیم داشت و برای بیمه کردن کشت‌های خود همین‌طور، اما در این زمینه مسأله بیوستن به fatf نیز باید تکلیفشان باشد. ما در صورتی که ما با طرف‌های خارجی و آمریکا برای لغو تحریم‌ها و احیای برجام به توافق برسیم و تحریم‌ها لغو شود، در صورتی که به fatf نپیوندیم، نمی‌توانیم نقل و انتقالات مالی خود را انجام دهیم، این تصمیم اگر در حالت گرفته شود و برجام احیا شود، در مجموع تشخیص صحت‌نظام هم به fatf به توصیف برسد بتوانیم از موارد رفع تحریم‌ها به صورت کامل استفاده کنیم.